

طراحی الگوی نقشه مفهومی برنامه‌ریزی راهبردی در توسعه دانشگاه

سمانه سلیمی^۱، عبدالله پارسا^{۲*}، یداله مهرعلی زاده^۳، سکینه شاهی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۶

چکیده

نقشه مفهومی به عنوان زیرساخت تدوین برنامه‌ریزی آموزشی استراتژیک در دانشگاه‌های جهان مورد توجه قرار گرفته؛ اما در دانشگاه‌های ایران از مبانی نظری مرتبط با آن غفلت شده است. پژوهش حاضر با هدف طراحی نقشه مفهومی برای توسعه دانشگاه تلاش کرده است با بهره‌گیری از روش پژوهش آمیخته متوالی ناهمزمان اکتشافی (کیفی - کمی)، برخی از مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار را مورد بررسی قرار داده و الگویی برای نقشه مفهومی ارائه دهد. با بررسی اسناد بالادستی مرتبط با برنامه‌های توسعه دانشگاه‌های بخش دولتی، مصاحبه با ۵۴ عضو و توزیع پرسشنامه بین ۲۰۵ نفر از مجموع ۶۰۰ عضو هیأت علمی از ۵۳ گروه آموزشی دانشگاه شهید چمران اهواز، اطلاعات و داده‌های کیفی و کمی جمع‌آوری، تحلیل و تبیین گردید. شیوه جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش اسناد بالا دستی به صورت تحلیل محتوا و در بخش کیفی با استفاده از روش کدگذاری اشرس و کوربین، شامل سه مرحله (باز، محوری و انتخابی) انجام شد. در بخش کمی نیز پس از گردآوری داده‌ها با پرسشنامه محقق ساخته با ۹ خرده مقیاس و ۱۲۷ گویه که بر اساس اسناد بالادستی و نتایج مصاحبه اولیه، ساخته و روایی صوری و محتوایی و پایایی آن به تأیید رسیده بود، با روش آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) تحلیل داده‌ها انجام شد. طبق نتایج، مؤلفه‌های اصلی نقشه مفهومی، عبارتند از: جو سازمانی حاکم بر دانشگاه، کارکردهای دانشگاه، مقبولیت و مشروعیت، و توسعه رشته‌ها و گروه‌های آموزشی، که شناسایی شدند و بر اساس اهمیت در قالب مدلی از نقشه مفهومی برای دانشگاه ارائه شدند.

واژه‌های کلیدی: نقشه مفهومی، توسعه، مشروعیت دانشگاه، جو، کارکرد

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری مدیریت آموزشی تحت عنوان تدوین نقشه مفهومی برای برنامه‌ریزی راهبردی دانشگاه شهید چمران اهواز است.

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، salimisamane89@yahoo.com

^{**۲} نویسنده مسئول، دانشیار، رشته برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز، abdparsa@gmail.com، ۰۹۱۷۳۱۳۵۰۴۳

^۳ استاد، رشته مدیریت منابع انسانی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، ymehralizadeh@gmail.com

^۴ استادیار، رشته مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، sshahi@scu.ac.ir

مقدمه

برنامه‌ریزی توسعه دانشگاه و مطالعه فرایند تحولات جهان پیشرفته و توسعه یافته حکایت از این واقعیت دارد که آموزش عالی همواره عامل بنیادی تحول، تکامل و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع بوده است (وایت^۱، ۲۰۱۳). به عقیده محققانی مانند هوگو^۲ (۲۰۰۵) و بوسیتی و واکر^۳ (۲۰۰۹) با بررسی مبانی نظری و رویکرد نقشه مفهومی و چپستی آن، مسائل مهمی مانند: نگاه به دانشگاه از منظر جامعه شبکه‌ای، چالش‌های ماهیتی دانشگاه (جامع، صنعتی، از راه دور و ...)، استقلال سازمانی و علمی دانشگاه، رقابت گروه‌های آموزشی و انجمن‌های علمی و صنفی درون دانشگاه برای دستیابی به منابع کمیاب اقتصادی، فشار دولت‌ها در زمینه پاسخگو بودن دانشگاه، حساسی، ارتباط بین دانشجو و استاد، برنامه‌های درسی، افزایش استفاده از تکنولوژی در یادگیری، رشد تعداد دانشجویان آموزش عالی، تغییر رهبری دانشگاه، دشواری استخدام و کیفیت کار رهبران علمی، در حوزه برنامه‌ریزی استراتژیک دانشگاه‌ها بیشتر به چشم می‌خورند. مناقشه در دقت آمار رسمی (وایت، ۲۰۱۳)، ماهیت ذاتی دانش و ارزش معنوی دانشگاه، مطالبات گوناگون صنعت از دانشگاه، افزایش تقاضای بهبود کیفیت آموزش عالی برای نیازهای جاری و آینده جامعه، تغییر انتظارات دانشجویان و دیگر ذینفعان و تغییرات مداوم سیاست دولت‌ها متأثر از نمایندگان سیاسی (گروس اشتاین^۴، ۲۰۰۷؛ فلیپ پاکو و تاپر^۵، ۲۰۰۸؛ فولان و اسکات^۶، ۲۰۰۹)، افزایش بهره‌وری دانشگاه به ازاء داشتن شرایط مالی مناسب (براون^۷، ۲۰۱۱)، نیز در زمره این چالش‌ها هستند.

رویارویی خردورزانه با چالش‌های درونی و بیرونی و حل مسائل ناشی از این چالش‌ها، نیازمند برنامه‌ریزی آموزشی راهبردی است. هم در دانشگاه‌های خارج از کشور (پارا^۸، کرنل^۹، ترکیه^{۱۰}، ناتینگهام^{۱۱}، و ...) و هم در دانشگاه‌های داخل (تهران، فردوسی مشهد، شیراز، امیر کبیر، گیلان، شهید چمران اهواز و علوم پزشکی اصفهان و ...) سوابق فراوانی از برنامه‌ریزی آموزشی راهبردی دانشگاهی دیده می‌شود که نشانه توجه آن‌ها به برنامه‌ریزی راهبردی است. زیرا این تصور وجود دارد که توسعه تفکر و سیستم‌های کارآمد برنامه‌ریزی نظام دانشگاهی می‌تواند نقش اساسی در تفکر بر پیچیدگی سازمان‌های دانشگاهی داشته و زمینه مشارکت معنادار دانشگاه‌ها را در نهضت نرم افزاری و تولید علم و تحقق چشم‌انداز توسعه کشور نیز فراهم سازد (ثمیری و دیگران، ۱۳۹۲). با وجود الگوهای فراوان موجود در زمینه برنامه‌ریزی راهبردی راه‌گشای دانشگاه‌ها برای طراحی و اجرای برنامه‌ریزی راهبردی، در اجرا شاهد مسائل و موانع گوناگونی هستیم. یمنی دوزی سرخابی و ثمیری (۱۳۸۹) و مهرعلی‌زاده (۱۳۹۵) عواملی مانند ضعف نظارت بر اجرای برنامه‌ها، بی‌توجهی به تجارب

¹ White

² Hugo

³ Bosetti & Walker

⁴ Gross Stein

⁵ Filippakou & Tapper

⁶ Fullan & Scott

⁷ Brown

⁸ Para

⁹ Cornell

¹⁰ Turkey

¹¹ Nottingham

جهانی، دلایل مدیریتی، دلایل مربوط به نیروی انسانی؛ نادیده گرفتن تحرک فکری و فرهنگی نخبگان و دانشگاهیان، دلایل فنی ناشی از ضعف مطالعات آمایش سرزمین، نابسامانی و ناهنجاری نظام اقتصادی کشور، ماهیت و کارکرد دولت و دلایل سیاسی ناشی از آن، ضعف نظریه‌پردازی و فقدان نظریه و پارادایم توسعه‌ای کشور و دلایل فرهنگی را از مشکلات برنامه‌ریزی راهبردی و موانع اجرای صحیح آن در دانشگاه‌های ایران می‌دانند.

سؤال مهم پیش‌روی برنامه‌ریزان آموزشی توسعه دانشگاه، آن است که به چه دلایلی برنامه‌های راهبردی در دانشگاه‌های ایران (طراحی، اجرا، تأثیرگذاری و ارزیابی) با مشکل مواجه می‌شوند؟ با فرض پذیرش اهمیت برنامه‌ریزی راهبردی برای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، آیا به صرف داشتن برنامه‌ریزی راهبردی می‌توانند آن طور که تمایل دارند به اهداف خود برسند؟ بررسی برخی از دانشگاه‌های کشورهای دیگر نشان می‌دهد که آن‌ها از نوعی چارچوب مفهومی و یا به عبارتی نقشه مفهومی برای برنامه‌ریزی راهبردی بهره برده‌اند که در دانشگاه‌های ایران مورد غفلت قرار گرفته و بر همین اساس، پیش‌فرض اصلی پژوهش حاضر آنست که یکی از ریشه‌های اصلی چالش‌های فراروی دانشگاه‌ها برای توسعه متوازن و علمی، فقدان یک نقشه مفهومی برای ترسیم و تبیین ابعاد پیچیده، درهم تنیده، و شبکه‌ای دانشگاه است. نقشه مفهومی به برنامه‌ریزان آموزش عالی کمک می‌کند که طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه‌ها را متناسب با نیازهای دانشگاه و متقاضیان انجام دهند (کالاهان و داویلا، ۲۰۰۴). از این رو ضرورت توجه بیشتر و عالمانه‌تر به نقشه مفهومی در برنامه‌ریزی راهبردی آموزش عالی، بیش از پیش احساس می‌شود. بنابراین شناسایی مؤلفه‌های مهم و ارائه الگوی نقشه مفهومی برای برنامه‌ریزی توسعه دانشگاهی که بتواند معرف بنیان معرفتی و اندیشه هدایتگر فعالیت‌های برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاهی باشد مسأله اصلی پژوهش حاضر است.

ادبیات پژوهش:

نقشه مفهومی دانشگاه، سندی تحولی؛ عملیاتی و توافقی است که نشان‌دهنده‌ی یک تصویر بزرگ و جامع برای حمایت از ماهیت و چیستی دانشگاه و کارکردهای آن، به خصوص برای بررسی و برقراری ارتباط در پیوندهای پویا بین ذینفعان، منابع دانشگاه، اهداف سازمانی و محیط در حال تغییر است. نقشه مفهومی، یک شیوه برنامه‌ریزی فرایندی به شکل گام به گام و لایه به لایه در بستر زمان و معطوف به آینده می‌باشد که مانند چتری بر نقشه راه دانشگاه سایه می‌اندازد. چنین نقشه مفهومی از باورها و نگرش‌های مشترک اعضای هیأت علمی و مدیران دانشگاه، دانشجویان و ذینفعان جامعه در خصوص فلسفه، ارزش‌ها، پیش‌فرض‌های بنیانی دانشگاه شکل می‌پذیرد (مهرعلی زاده، ۱۳۹۵). تدوین نقشه مفهومی برنامه‌ریزی راهبردی، اساس حرکت هدفمند هر سازمان و بویژه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی است. نقشه مفهومی، انعکاس روشنی از اهداف، مأموریت و چشم انداز دانشگاه است که باعث می‌شود دانشکده‌ها هم مأموریت خود را متناسب با مأموریت دانشگاه تقویت کنند و توسعه دهند. نقشه مفهومی بر اساس دانش درست، تئوری و پژوهش پایه گذاری می‌شود که از یک باور جمعی درباره ارزش‌ها، فرهنگ و موقعیت دانشگاه نشأت می‌گیرد (طرح

¹ Callahan & Davila

برنامه‌ریزی راهبردی دانشگاه آلاباما^۱، ۲۰۰۷). به عقیده کالاهان و داویلا (۲۰۰۴) نقشه مفهومی ایجاد کننده یک فرایند پویا و توانمند شامل تفکر منطقی و حل مسائل به شیوه اصولی است و باعث می‌شود تصمیم گیرندگان دانشگاه، تصمیم‌هایشان به شیوه منطقی صورت گیرد. درلی^۲ (۲۰۰۷) برنامه‌ریزی راهبردی را مجموعه‌ای از مفاهیم، رویه‌ها و ابزارهایی می‌داند که به منظور کمک به رهبران، مدیران و برنامه‌ریزان برای تفکر و اقدام راهبردی طراحی شده است. به تعبیر رالوکا و الکس اندرو^۳ (۲۰۱۲) برنامه‌ریزی راهبردی، مانند پروژه‌ای است که سازمان را هدایت می‌کند تا به آینده مورد نظر و راه‌های به دست آوردن آن دست یابد. برنامه‌ریزی راهبردی در آموزش عالی نیز یک فرایند سیستماتیک طراحی شده برای تصمیم‌گیری درباره بهبود آموزش و پرورش، پژوهش و توسعه و برنامه و فرایندهای خدماتی است و امروزه مشخص است که برای موفقیت دانشگاه‌ها نیز امری حیاتی است؛ زیرا همان‌گونه که فتحی و ویلسون^۴ (۲۰۰۹) گفته‌اند به دانشگاه اجازه می‌دهد که با تجزیه و تحلیل حال و پیش‌بینی آینده در جهت خلق و ایجاد مزیت رقابتی قدم بردارد. با این وجود، بودجه عملیاتی، حجم کار سنگین و سردرگمی در مورد نحوه مؤثر برنامه‌ریزی راهبردی همگی عواملی هستند که باعث می‌شود رهبران و مسئولان سازمان‌ها به فکر تدوین برنامه راهبردی نباشند (رانچتی^۵، ۲۰۰۶).

تنوری شبکه‌ای کاستلز^۶ که در دهه ۸۰ میلادی مطرح شده، معتقد است که شبکه‌ها ساختارهای ارتباطی در جوامع هستند و به قدرت شکل می‌دهند. شبکه‌ها ریخت اجتماعی جدید جوامع ما را تشکیل می‌دهند و به عنوان ساختارهای ارتباطی در زندگی اجتماعی، الگوهای تماس هستند که به وسیله جریان پیام‌ها در میان افراد در ارتباط، در زمان و مکان مشخص ایجاد شده‌اند. این شبکه‌ها جریان‌ها را پردازش می‌کنند و این جریان‌ها سیر اطلاعات در گردش بین گره‌ها هستند. مجموعه‌ای از گره‌های مهم «مراکز»، شبکه نامیده می‌شوند و هر یک از اجزای یک شبکه (از جمله مراکز)، یک گره هستند و کارکرد و معنای آنها به برنامه‌های شبکه و تعاملات آنها با سایر گره‌ها در شبکه، بستگی دارد. در شبکه‌های اجتماعی و سازمانی، بازیگران اجتماعی، ارزش‌ها و منافع آنها را پرورش می‌دهند و در تعامل با سایر بازیگران جامعه، منشأ اصلی ایجاد و برنامه‌ریزی شبکه‌ها هستند. شبکه‌ها (و مجموعه منافع و ارزش‌هایی که آنها در بردارند) با یکدیگر همکاری و رقابت می‌کنند و همکاری آنها مبتنی بر توانایی برقراری ارتباط بین شبکه‌ها است (کاستلز و کاردوسو^۷، ۲۰۰۶ : ۱۹). تکیه بر جامعه شبکه‌ای کاستلز با تأکید بر شبکه و قدرت شبکه‌ای و گره‌های درون شبکه، این فرصت تحلیل را در اختیار محقق قرار می‌دهد که با شناسایی گره‌ها، پیوند منطقی و معقولی را بین آنها برقرار کند. اگر با اتکاء بر این نظریه، گره‌ها را به عنوان تجمعی از قدرت (فکری، حرفه‌ای، ساختاری، ارزشی، ایدئولوژیک و...) بپذیریم، بنابراین می‌توان لایه‌های ساختاری مانند (گروه‌های آموزشی، دانشکده، دانشگاه، شوراهای عمومی و تخصصی مانند شوراهای آموزشی، پژوهشی، تحصیلات تکمیلی، هیأت ممیزه، هیأت امناء و...) را به

¹ Alabama University Strategic Planning Plan

² Dereli

³ Raluca & Alecsandru

⁴ Fathi & Wilson

⁵ Ronchetti

⁶ Castells

⁷ Cardoso

عنوان گره‌های شبکه در دانشگاه تلقی کرد. همچنین تجمعات فکری مانند انجمن‌های علمی، گروه‌های غیر رسمی، گروه‌های حرفه‌ای، رهبران غیر رسمی کاریزماتیک چه از بعد شخصی و چه از بعد حرفه‌ای، باندهای سیاسی، اجتماعی، قومی و.. نیز از جمله این گره‌ها محسوب می‌شوند. پی بردن به وزن و ظرفیت هر کدام از این گره‌ها و قدرت تأثیر گذاری و نفوذ و چانه زنی آنها، توانایی این گره‌ها در تصمیم سازی و تصمیم گیری و حتی جلب اعتماد عمومی اعضای شبکه‌ای، میزان خلوص، شمول، قدرت و باور پذیری و تصمیم پذیری معیارهای هر یک از گره‌ها و قدرت کنش گری آنها و همچنین توانایی بسط و شبکه سازی و بارگذاری اندیشه‌های خود در این شبکه برای رسوخ به پیکره ذهنی و اجرایی دانشگاه از طریق رسانه‌های مختلف که یکی از آنها، برنامه‌ریزی راهبردی است، شرط لازم دستیابی به تصویر بزرگ و عمیق از دانشگاه یا همان نقشه مفهومی در دانشگاه است.

با بررسی سوابق تدوین نقشه مفهومی دانشگاه‌های ایران مشاهده می‌شود محققانی مانند (یمنی دوزی سرخابی و ترک زاده، ۱۳۸۸؛ پورصادق، ۱۳۹۳؛ مظلومی و جلالی، ۱۳۹۱؛ خلیلی شورینی و محضری، ۱۳۹۲؛ گودرزی، قربانی و صفری، ۱۳۹۴؛ عامریون و دیگران، ۱۳۹۵؛ فرازی و دیگران، ۱۳۹۶) به ابعاد مختلفی از فقدان یک نظم و انسجام درونی، نگاه جامع و یکپارچه، ضعف تصویری و مفهومی، سیستمی و کل نگر، مشارکتی و مبتنی بر آینده نگاری راهبردی بر پایه نظام جامع آمار و اطلاعات و سیستم‌های اطلاعاتی یکپارچه دانشگاه و تفکر راهبردی اشاره داشته‌اند. اما بر خلاف دانشگاه‌های داخل کشور که تا به حال به طراحی نقشه مفهومی برای برنامه‌ریزی راهبردی در دانشگاه نپرداخته‌اند، برخی دانشگاه‌ها در سایر کشورها مانند دلتا^۱ (۲۰۰۲)، سدراویل^۲ (۲۰۰۷)، نیآگارا^۳ (۲۰۰۹)، افریقای جنوبی^۴ (۲۰۱۰)، مجماح^۵ (۲۰۱۱)، فرمینگهام^۶ (۲۰۱۲) و ایبرو^۷ (۲۰۱۵) به اهمیت داشتن نقشه مفهومی پی برده و برای برنامه‌ریزی راهبردی خود، ابتدا اقدام به تدوین چارچوب مفهومی نموده‌اند.

در همین دانشگاه‌ها نیز از ابعاد مهمی از چارچوب مفهومی برنامه‌ریزی راهبردی غفلت شده است. برای نمونه، محققانی مانند هریبینیاک^۸ (۲۰۰۶)، ایموردینو، گیگلیوتی، روبن و ترامپ^۹ (۲۰۱۶) به مواردی از قبیل: "استراتژی ضعیف و یا مبهم، نداشتن خطوط و اصول هدایت و راهنمایی و یا نبود مدلی برای هدایت تلاش‌ها و اقدامات اجرایی، مشارکت ضعیف و تقسیم اطلاعاتی ناکافی، مسئولیت مبهم و نامشخص، کار کردن بر خلاف ساختار قدرت سازمانی، نداشتن تعهد و انگیزه کافی، غفلت از محدودیت زمانی، رقابت‌های درونی گروهی دانشگاهی، نداشتن دانش کافی در مورد اجرای اولویت‌ها و اهداف و عدم پاسخگویی..." اشاره داشته-

¹ Delta

² Cedarville

³ Niagara

⁴ South African

⁵ Majmah

⁶ Framingham

⁷ Ibero

⁸ Hrebiniak

⁹ Immordino, Gigliotti, Ruben & Tromp

اند. پژوهش حاضر درصدد است با بررسی عمیق‌تر در این زمینه و پاسخگویی به سؤالات زیر، به ارائه یک نقشه مفهومی برای برنامه‌ریزی راهبردی در دانشگاه شهید چمران اهواز بپردازد.

۱. مؤلفه‌های مهم نقشه مفهومی برای برنامه‌ریزی توسعه دانشگاهی کدامند؟
۲. چه مدلی برای تدوین یک نقشه مفهومی در راستای برنامه‌ریزی توسعه دانشگاهی قابل ارائه است؟

روش پژوهش:

روش پژوهش حاضر روش آمیخته متوالی ناهمزمان اکتشافی بوده است. در این رویکرد در بخش کیفی با بررسی اسناد بالادستی و پژوهشات گذشته، و همچنین انجام مصاحبه نیمه ساختاریافته، و در بخش کمی با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته بر اساس بررسی اسناد و مدارک و تحلیل مصاحبه‌ها، مسأله پژوهش پیگیری شده است.

جامعه آماری پژوهش، اعضای هیأت علمی وابسته به ۵۳ گروه آموزشی دانشگاه شهید چمران اهواز به تعداد ۶۰۰ نفر می‌باشند. در بخش مصاحبه‌ها از ۵۴ نفر از عضو هیأت علمی که اطلاعات جامعی در زمینه دانشگاه و آشنایی کامل با مفهوم برنامه‌ریزی راهبردی داشته و می‌توانستند داده‌های معتبری را در این زمینه در اختیار پژوهشگر قرار دهند، به روش هدفمند مطلوب گزینش شدند. برای تکمیل پرسشنامه در بخش کمی، ۲۰۵ نفر از اعضای هیأت علمی این دانشگاه (۲۶ استاد، ۴۴ دانشیار، ۱۲۲ استادیار و ۱۳ مربی) نفر به صورت تصادفی طبقه‌ای ساده و بر حسب دانشکده و گروه آموزشی و رتبه‌های دانشگاهی (استاد، دانشیار، استادیار و مربی) در سال ۱۳۹۶ گزینش شده و از مشارکت آنها بهره گرفته شد.

با توجه به گستردگی موضوع و ماهیت آن، علاوه بر تحلیل اسناد و پژوهشات گذشته، روش مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته (عمیق) به عنوان یکی از معمول‌ترین انواع مصاحبه در پژوهشات کیفی اجتماعی، برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. این مصاحبه بین دو حد نهایی ساختاریافته و بدون ساختار قرار می‌گیرد که در آن از تمام افراد سؤالات مشابهی پرسیده می‌شود؛ اما آنها آزادند که پاسخ خود را به هر طریقی که مایلند ارائه دهند. مسئولیت رمز گردانی پاسخ‌ها و طبقه بندی آنها با محقق است. در بخش کمی نیز پرسشنامه محقق ساخته با ۹ خرده مقیاس و ۱۲۷ گویه بر اساس بررسی اسناد و مدارک و کدهای مستخرج از مصاحبه، طراحی و به شیوه طیف لیکرت نمره گذاری شد. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه با بهره گیری از نظرات صاحب‌نظران و تطابق با نظریه‌ها و اسناد و یافته‌های تجربی، تأیید شد و پایایی پرسشنامه و زیر مقیاس‌های آن نیز با ضریب آلفای کرانباخ، محاسبه شده است. جدول شماره ۱ بیانگر ضرایب پایایی پرسشنامه است.

جدول شماره ۱: مقوله‌ها و ضرایب پایایی عوامل تشکیل دهنده پرسشنامه

مقوله‌های اصلی استخراج شده	آلفای کرونباخ
توسعه رشته‌ها	۰/۸۸
مقبولیت و مشروعیت دانشگاه	۰/۷۵
جو دانشگاه	۰/۷۵
کارکردهای دانشگاه	۰/۹۴

برای تحلیل مرحله‌ای یافته‌ها در بخش اسناد بالادستی و سوابق از شیوه تحلیل محتوای مطالب و گزارش‌ها استفاده شد. به این صورت که ابتدا با بررسی اسناد و مبانی نظری از پایگاه‌های الکترونیکی، مقالات و کتب، یادداشت برداری شده و سپس داده‌های حاصل، به داده‌های متنی تبدیل شدند. در بخش مصاحبه، بعد از ضبط و تفکیک متن مصاحبه‌ها به عناصر دارای پیام، تلاش شد کدهای باز استخراج شوند. با بهره‌گیری از روش اشتروس و کوربین (۱۹۹۰، به نقل از پایدار، ۱۳۸۹) در مرحله کد گذاری اولیه، مفاهیم اولیه برگرفته از داده‌ها ظهور یافت و در مرحله بعد، در کد گذاری ثانویه، مفاهیم مشترک در مقوله‌های بزرگتری قرار گرفتند. سپس سعی شد مقوله‌ها نیز در قالب دسته‌های بزرگ مفهومی طبقه بندی شوند. در مرحله دوم که کدگذاری محوری است، مقوله‌ها در قالب خوشه‌های بزرگ دسته بندی شده و سپس به مقایسه مقوله‌های به دست آمده پرداخته شد. در بخش کمی با استفاده از برنامه آماری SPSS نتایج توصیفی (فراوانی، میانگین، انحراف استاندارد) مؤلفه‌های نقشه مفهومی استخراج گردید.

یافته‌های پژوهش:

مؤلفه‌های مهم نقشه مفهومی برای برنامه‌ریزی توسعه دانشگاهی کدامند؟

به طور کلی بررسی اسناد و مدارک، مصاحبه‌ها و پرسشنامه نشان داده که مؤلفه‌های مهم نقشه مفهومی برای برنامه‌ریزی توسعه دانشگاهی عبارتند از: جو دانشگاه، کارکردهای دانشگاه، مقبولیت و مشروعیت دانشگاه، توسعه رشته‌های دانشگاه که در ادامه توصیف آنها ارائه شده است.

جو دانشگاه

از تحلیل مصاحبه‌ها، ۵۸ گزاره مفهومی اولیه در ارتباط با جو دانشگاه بدست آمد. جو دانشگاه، کیفیت نسبتاً پایدار محیط آموزشی است که حاصل تلاش، روابط و کنش‌های متقابل گروه‌های درونی دانشگاه، مسئولان، اعضای هیأت علمی، کارکنان و دانشجویان است و حاصل نهایی این تعاملات، شکل‌گیری ارزش‌ها، اعتقادات و موازین اجتماعی نظام دانشگاه است (ثناگو و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۰۹-۳۰۳). در مرحله کدگذاری محوری ۸ مقوله بدست آمده است. سیاست زدگی و گزینش تصادفی یکی از این مقوله‌ها است. چند تن از اعضای هیأت علمی دانشگاه مورد مطالعه هم به این نکته اشاره کرده‌اند که جوی که در دانشگاه حاکم است، متأثر از فضای سیاسی کشور است: "...فضای حاکم بر دانشگاه، کاملاً سیاسی است به طوری که گروه‌های سیاسی قدرتمند بر آن حاکم شده‌اند..." (دانشیار دانشکده اقتصاد)، "...در دانشگاه مسائل حاشیه‌ای و غیر علمی بر مسائل علمی غلبه یافته‌اند..." (دانشیار دانشکده دامپزشکی)، "گاه فشارهای سیاسی، فشارهای نمایندگان، بر دانشگاه اعمال می‌شود و دیدگاه‌های مهندسی، تحت الشعاع مسائل سیاسی قرار می‌گیرند..." (استادیار دانشکده علوم آب). پیش فرض مورد اجماع اکثریت در دنیا آن است که دانشگاه و فضای حاکم بر آن باید متناسب با اصول علمی اداره شود؛ بنابراین یکی از مفاهیمی که از مصاحبه‌ها بدست آمده، حول محور مقوله مدیریت آکادمیک و علمی است. "...مدیران دانشگاه در برابر وزارت خانه منفعل عمل می‌کنند..." (دانشیاری از دانشکده علوم ورزشی)، "...انتخاب‌های دانشگاهی بر اساس شایسته سالاری صورت نمی‌

گیرد... " (استادی از دانشکده دامپزشکی). اعضای هیأت علمی افرادی هستند که قادرند معنای عمل انسانی خود را بفهمند. آنها می‌توانند برای خود، هدف بگذارند؛ کار خود را به سوی هدف جهت بدهند و آن را معنادار کنند. معنا دهی به کار، فقط اختصاص به تابعیت از قواعد سازمانی ندارد. عضو هیأت علمی قادر خواهد بود تا این معنا را به زندگی بشری و حتی به کل جهان هستی تسری بدهد. این وضعیت به او انگیزه درونی بالایی برای انجام کار می‌دهد. بنابراین یکی از مقوله‌های بدست آمده انگیزش شغلی است. " *...اخلاقیات علمی و حرفه ای در دانشگاه در سطح بالایی باید رعایت شود... (استاد دانشکده علوم)، "سیستم پاداش و قدردانی دانشگاه باید مطلوب و متنوع باشد... (استادی از دانشکده علوم آب). تعهد کاری و حرفه ای نیز از مقوله‌های مورد تأکید اعضا است. " ... اعضای هیأت علمی دچار یک رخوت و روزمرگی شده اند. استاد جوان دو ساعت درس می‌دهد بعد همان زندگی معمولی غذا و خواب و... ۱۵ سال شاید یک مقاله هم ورق نرود. هیچ کس هم نیست بگوید بالای چشمت ابرو هست. این اکوسیستم، حاکم شده که بسیار هم خطرناک و سمی است که در بدن تک تک اعضای هیأت علمی و دانشجویها تزریق شده و هیچ گونه تعهد کاری در بین بعضی از اعضای هیأت علمی وجود ندارد... " (استاد گروه علوم زمین). دیدگاه برخی از اعضای هیأت علمی، بیانگر وجود مقررات سخت گیرانه بودن در جو دانشگاه بود... "جو محافظه کارانه شدیدی بر دانشگاه حاکم است... (استادیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی)، "ثبات مقرراتی شدیدی در دانشگاه وجود دارد و هیچ گونه انعطافی مشاهده نمی‌شود... (استاد دانشکده دامپزشکی). اگر چه مقررات سخت گیرانه در دانشگاه وجود دارد، اما بنا بر نظر برخی از اعضای هیأت علمی به نوعی نادیده گرفتن قوانین هم در دانشگاه وجود داشته است. " *... قانون را در آن طور می‌خوانیم و تعبیر می‌کنیم که به نفع ما است. سختگیری برای انجام قانون نیست. تخلفی صورت گیرد، نادیده گرفته شده و مجازاتی صورت نمی‌گیرد... (استادیار دانشکده علوم آب). همچنین نظر تعداد اندکی از اعضای هیأت علمی مبنی بر وجود رقابت منفی بین اعضای هیأت علمی در دانشگاه بود. " *...گاهی در دانشگاه دیده می‌شود که به اعضای هیأت علمی جوان بها داده نمی‌شود و فکر می‌کنند ما رقیب پیشکسوتان می‌شویم... (دانشیاری از دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی). آخرین مقوله بدست آمده از جو دانشگاه، روحیه تیمی و مشارکت است که تعدادی از اعضای هیأت علمی به آن باور داشتند " *... در بین مدیریت های دانشگاه و همچنین گروه های دانشگاه به نظر من همیشه روابط حسنه برقرار بوده است... (دانشیاری از دانشکده دامپزشکی).****

جدول شماره ۲: دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه درباره جو دانشگاه به عنوان مؤلفه مهم تأثیر گذار بر

نقشه مفهومی

تعداد کل	انحراف استاندارد	میانگین از ۵	جو دانشگاه
۲۰۵	۱/۰۵۹	۳/۸۲۹	جو سیاسی بر دانشگاه حاکم است.
	۱/۲۳۱	۳/۴۹۲	اولویت های علمی به دلیل سیاسی شدن دانشگاه مورد غفلت واقع شده است.
	۱/۲۵۲	۳/۵۷۰	مسائل حاشیه ای و غیر علمی بر مسائل علمی غلبه یافته است.
	۱/۰۴۰	۲/۷۶۵	گروه های آموزشی در تصمیم گیری های علمی و تخصصی از استقلال کافی برخوردارند.
	۱/۰۴۰	۳/۳۵۶	حاکمیت عقل و منطق به دلایل مختلف به حاشیه رانده شده است.
	۰/۸۳۲	۲/۹۵۱	جو علمی و آموزشی بر دانشگاه حاکم است.
	۱/۰۹۹	۳/۳۲۲	شعار و احساس در تصمیم گیری ها بر عقلانیت غلبه کرده است.

۱/۰۵۵	۲/۴۷۳	شاخص های ارتقاء و ارزیابی کیفیت علمی دانشگاهیان به درستی تدوین و ابلاغ شده اند.
۱/۰۶۷	۳/۱۵۱	انگیزه شغلی و عشق به تدریس در بین اعضای هیأت علمی جوان بالا و رضایت بخش است.
۱/۰۲۱	۳/۰۱۴	اعتماد به نفس اعضای هیأت علمی برای فعالیت علمی بالا و امید بخش است.
۰/۹۰۱	۳/۰۱۹	اخلاقیات علمی و حرفه ای در دانشگاه در سطح بالایی رعایت می شوند.
۱/۰۴۰	۳/۱۰۲	تلاش و علاقه به انجام کار علمی در بین اعضای هیأت علمی جوان بالا و رضایت بخش است.
۰/۹۶۴	۲/۹۱۷	اعضای هیأت علمی پیشکسوت نسبت به اعضای هیأت علمی جوان ارزیابی مثبتی دارند.
۰/۹۳۷	۲/۷۶۱	مقررات دانشگاه از ثبات بالایی برخوردار است.
۱/۰۴۵	۳/۱۸۲	قوانین ارتقاء اعضای هیأت علمی، دانشگاه برای کار علمی سخت گیرانه است.
۱/۰۲۱	۳/۶۸۶	اعضای هیأت علمی از انتقاد کردن در دانشگاه می ترسند.
۱/۰۳۰	۳/۷۸۵	جو محافظه کارانه بر دانشگاه غالب شده است.
۱/۱۵۲	۳/۳۹۰	به دلیل مدیریت یک جانبه و آمرانه، جو اجبار بر دانشگاه و فعالیت های آن حاکم است.
۰/۹۷۱	۳/۰۸۷	قوانین و مقررات توسط افراد و گروه ها نادیده گرفته می شوند.
۰/۱۸۷۹	۲/۷۳۶	بین اعضای هیأت علمی انسجام و یکپارچگی خوبی وجود دارد.
۰/۹۱۲	۲/۶۶۳	بین اعضای گروه ها و دانشکده ها تعاملات علمی و حرفه ای خوبی وجود دارد.
۰/۳۱۷	۳/۲۰۰	جمع کل سؤالات

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که بیشترین مقدار میانگین مربوط به مؤلفه "جو سیاسی بر دانشگاه حاکم است"، به مقدار ۳/۱۸۲ و کمترین مقدار میانگین مربوط به مؤلفه "شاخص های ارتقاء و ارزیابی کیفیت علمی دانشگاهیان به درستی تدوین و ابلاغ شده اند"، به مقدار ۲/۴۷۳ است. همچنین مقدار میانگین کل جو دانشگاه ۳/۲۰ بدست آمده است.

مقبولیت و مشروعیت دانشگاه

از تحلیل مصاحبه‌ها ۴۷ گزاره مفهومی اولیه در مرحله کد گذاری باز و ۷ مقوله اصلی در مرحله کدگذاری محوری بدست آمده است که عبارتند از: مقبولیت اجتماعی، مرجعیت علمی و تخصصی، تعامل صنایع و سازمان‌ها، کارآمدی مدیریت، سیاست‌های کلان دولتی و حکومتی، سطح مشارکت اعضای هیأت علمی در تولیدات علمی و سطح کیفیت تولیدات علمی دانشگاه است. از جمله مطالبی که اعضای هیأت علمی در مصاحبه‌های خود به آن اشاره نموده اند دلالت بر مقبولیت اجتماعی دارد "... دانشگاهی و دانشگاه مورد مطالعه از لحاظ فرهنگی بین مردم جایگاه دارد. ولی اینکه در بین مسئولین چه جایگاهی دارد. آن شاخصش نحو رابطه‌ای است که با دانشگاه برقرار می‌کند. اگر مسئول یک اداره ای برای مشکلس به دانشگاه رجوع کند این برای ما مهم است. اگر در یک کاری گیر کند برود به دانشگاه رجوع کند این اهمیت دارد..." (استادی از گروه فلسفه تعلیم و تربیت). مرجعیت تخصصی و علمی: "...درباره مرجعیت علمی دانشگاه مور مطالعه گفتند که در برخی رشته‌ها انتخاب اول دانشجویان نیست..." (استادی از دانشکده ریاضی)، "...دانشگاه مور مطالعه به لحاظ داشتن قدمت از زمان جندی شاپور مرجعیت علمی زیادی در بین دانشگاهیان را دارا است..." (استادی از دانشکده علوم آب).

سیاست‌های کلان دولتی و حکومتی: "...هرم‌های فشار بیرونی مانع پویایی و تحرک علمی و اجتماعی دانشگاه می‌شوند..." (استادی از دانشکده کشاورزی). "...ارکان جامعه باید در دانشگاه سرمایه‌گذاری کنند که این اتفاق در دانشگاه نمی‌افتد..." (استادی از دانشکده علوم). سطح مشارکت اعضای هیأت علمی در تولیدات علمی: "...خود/اعضای هیأت علمی هم در شناساندن و توانایی‌های خود به صنایع و سازمان‌های منطقه نقش مؤثری دارند..." (استادی از دانشکده تربیت بدنی)، "...معمولاً طولانی بودن و زمان بر بودن طرح‌های پیشنهادی صنایع و سازمان‌ها، مانع تلاش بیشتر اعضای هیأت علمی است..." (استادی از دانشکده مهندسی). "...سطح کیفیت تولیدات علمی دانشگاه در مقایسه با شاخص‌های ملی و بین‌المللی، مقبولیت علمی این دانشگاه پایین است..." (استاد دانشکده ریاضی)، "...هر قدر میزان هماهنگی و یکپارچگی فعالیت‌های بخش‌های مختلف دانشگاه مطلوب و رضایت‌بخش باشد سطح کیفیت تولیدات علمی دانشگاه بیشتر خواهد بود..." (دانشیاری از دانشکده علوم).

جدول شماره ۳: دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه درباره مشروعیت و مقبولیت دانشگاه به عنوان مؤلفه مهم تأثیر گذار بر نقشه مفهومی

تعداد کل	انحراف استاندارد	میانگین از ۵	مشروعیت و مقبولیت
۲۰۵	۰/۷۹۵	۲/۷۸۰	دانشگاه توانسته است با توجه به گرایش صنایع به روزآمد نمودن خود، سطح تعامل خود با آنها را توسعه دهد.
	۰/۸۷۲	۳/۱۲۷	نگاه مدیریت دانشگاه به ارتباط با صنعت، نگاه جامع و همه‌جانبه است.
	۰/۸۴۰	۲/۵۷۵	در اطلاع‌رسانی به جامعه از تولیدات علمی خود موفق بوده است.
	۰/۸۳۳	۲/۲۶۳	ارکان جامعه تلاش می‌کنند در این دانشگاه سرمایه‌گذاری کنند.
	۰/۹۲۳	۲/۸۷۸	اعضای هیأت علمی در رایزنی با سازمان‌ها و صنایع و بازاریابی علمی از توانایی خوبی برخوردارند
	۰/۸۸۷	۳/۶۴۸	زمان بر بودن طرح‌های پیشنهادی صنایع و سازمان‌ها، مانع تلاش بیشتر اعضای هیأت علمی است.
	۰/۸۱۲	۲/۳۵۱	دانشجویان دانشگاه شهید چمران تعامل و ارتباط خوبی با صنایع دارند.
	۰/۹۳۳	۳/۴۱۴	ارتباط این دانشگاه با صنایع عمدتاً محدود به انجام پایان‌نامه‌ها است.
	۰/۹۳۱	۳/۴۷۳	در بین عامه مردم، شهر و استان از مقبولیت و محبوبیت بالایی برخوردار است.
	۰/۹۷۲	۳/۴۶۸	در سطح منطقه جنوب غرب از مقبولیت و محبوبیت بالایی برخوردار است.
	۰/۹۹۷	۳/۴۵۸	دانش‌آموختگان بسیاری متقاضی جذب به عنوان هیأت علمی در این دانشگاه هستند.
	۰/۹۲۲	۴/۰۴۸	نخبگان علمی از این دانشگاه به شهرها و دانشگاه‌های دیگر مهاجرت می‌کنند.
	۰/۸۶۸	۳/۲۰۹	این دانشگاه در رشته‌های زیادی از حسن شهرت علمی و تخصصی برخوردار است
	۰/۷۸۹	۳/۰۵۸	ادراکات و ارزیابی دانش‌آموختگان این دانشگاه از محل تحصیل خود، مثبت و رضایت‌بخش است
	۰/۸۴۸	۲/۸۴۳	از مقبولیت کافی در بین صنایع و سازمان‌ها و ادارات برخوردار است.
۰/۹۴۵	۳/۱۱۲	تأسیس مراکز پژوهش‌های از سوی سازمان‌ها در دانشگاه، نشانه تعامل مثبت آنها با دانشگاه شهید چمران است.	
۰/۸۲۴	۳/۰۳۴	میزان پاسخگویی دانشگاه به تعهدات خود در قبال سازمان‌ها و صنایع، مطلوب و	

			رضایت بخش است.
۰/۸۴۱	۳/۶۵۳		صنایع و سازمان‌ها ارزیابی درونی را بر ارزیابی از سوی اعضای هیأت علمی دانشگاه ترجیح می‌دهند.
۱/۰۹۵	۳/۶۴۸		اهرم‌های فشار بیرونی مانع پویایی و تحرک علمی و اجتماعی دانشگاه می‌شوند.
۱/۰۱۴	۳/۲۴۸		حاکمیت و دولت، دانشگاه شهید چمران اهواز را به عنوان یک سرمایه منطقه‌ای قلمداد می‌کنند.
۰/۹۴۲	۳/۴۸۲		در مقایسه با شاخص‌های ملی و بین‌المللی، مقبولیت علمی این دانشگاه پایین است.
۰/۳۹۷	۳/۱۸۰		جمع کل سؤالات

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که بیشترین مقدار میانگین مربوط به مؤلفه "نخبگان علمی از این دانشگاه به شهرها و دانشگاه‌های دیگر مهاجرت می‌کنند" به مقدار ۴/۰۴۸ و کمترین مقدار میانگین مربوط به مؤلفه "دانشجویان دانشگاه شهید چمران تعامل و ارتباط خوبی با صنایع دارند" به مقدار ۲/۳۵۱ است. همچنین مقدار میانگین مشروعیت و مقبولیت دانشگاه ۳/۱۸۰ بدست آمده است.

کارکردهای دانشگاه

از تحلیل مصاحبه‌ها ۴۴ گزاره مفهومی اولیه در مرحله کدگذاری باز و ۵ مقوله اصلی در مرحله کدگذاری محوری بدست آمده است که عبارتند از: کارکردهای اجتماعی، آموزشی، پژوهشی، تجاری و کارآفرینی، و نیز کارکرد فرهنگی و تربیتی. در گذشته تنها کارکرد دانشگاه، کارکرد آموزشی بود؛ اما امروزه با رشد جوامع و فناوری‌های نوین و به دنبال آن تغییر انتظارات و خواسته‌ها، کارکردهای جدیدی از دانشگاه انتظار می‌رود. بنابراین یکی از مؤلفه‌هایی که جهت ساختن نقشه مفهومی بسیار کار ساز است، توجه به این نکته است که اعضای هیأت علمی دانشگاه چه دیدگاهی نسبت به کارکردهای دانشگاه دارند؟ از نظر اعضای هیأت علمی دانشگاه مور مطالعه یکی از این کارکردها، کارکرد اجتماعی است. "...دانشگاه سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود..." (دانشیار دانشکده اقتصاد)، "...نقش مهم دانشگاه کمک به رفاه و پیشرفت جامعه است..." (استاد گروه مدیریت)، "...دانشگاه مرکزی برای راهنمایی و کمک به عامه مردم به حساب می‌آید..." (استاد دانشگاه مهندسی). کارکرد دوم کارکرد آموزشی است. اعضای هیأت علمی چنین اعتقاد داشتند: "...دانشگاه محلی برای یاد دادن چگونگی یادگیری..." (دانشیار دانشکده اقتصاد)، "...دانشگاه محلی برای علم‌اندوزی..." (استادیار دانشکده علوم آب). کارکرد مهم دیگر کارکرد پژوهشی است. "...دانشگاه در کنار کارکرد آموزشی باید به پژوهش‌های بنیادی هم بپردازد..." (استاد دانشکده مهندسی)، "...آنچه که باعث اعتبار و شناخته شدن دانشگاه در عرصه‌های ملی و بین‌المللی می‌شود پژوهش است..." (استاد دانشکده علوم آب)، "...امروزه کارکرد پژوهشی دانشگاه باید مقدم بر کارکرد آموزشی آن باشد..." (استاد گروه مواد دانشکده مهندسی). کارکرد چهارم از نظر اعضای هیأت علمی کارکرد کارآفرینی و تجاری سازی است. "...دانشگاه باید در شکستن مرزهای دانش پیشرو باشد..." (استاد دانشکده علوم)، "...دانشگاه باید محلی برای تلفیق علم و عمل باشد..." (استاد گروه تاریخ)، "...دانشگاه باید به سمت تجاری سازی و کارآفرینی پیش برود و بسترهای رسیدن به دانشگاه نسل سوم را در خود بوجود آورد..." (استاد دانشکده مهندسی). و آخرین کارکرد، کارکرد فرهنگی و تربیتی

است."...دانشگاه محلی تولید انسانیت به تمام معنا است..." (استاد دانشکده علوم تربیتی)، "...دانشگاه نقش انتقال میراث فرهنگی جامعه را به نسل های بعد بر عهده دارد..." (استاد دانشکده ادبیات).

جدول شماره ۴: دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه درباره کارکردهای دانشگاه به عنوان مؤلفه مهم تأثیر گذار بر نقشه مفهومی

تعداد کل	انحراف استاندارد	میانگین از ۵	اعضای هیأت علمی درباره کارکرد های موجود دانشگاه چه دیدگاهی دارند؟
۲۰۵	۰/۹۷۷	۲/۴۵۳	نقش و مشارکت تأثیرگذاری در حل مسائل منطقه ای و بین المللی دارد.
	۱/۰۴۶	۲/۸۰۹	در ارائه راه حل برای مسائل بومی و استانی محیط پیرامونی خود، نقش فعالی ایفا می نماید.
	۰/۹۶۲	۳/۱۸۵	در سیاست ها و رفتارهای سازمانی خود و اعضایش بر وجه اخلاقی بودن تأکید می نماید.
	۰/۹۳۸	۳/۰۲۹	در تربیت اخلاقی و رشد خصایص پسندیده انسانی دانش آموختگان خود، عملکرد موفق داشته است.
	۰/۹۵۲	۳/۵۳۱	رسالت اصلی خود را آموزش علم به متقاضیان می داند.
	۱/۰۲۱	۳/۳۲۲	به عنوان محلی برای تبادل علم مطرح جهان شناخته شده است.
	۰/۹۶۸	۲/۸۸۲	کوشیده است چگونه یاد گرفتن و روش اندیشیدن را به دانشجویان یاد دهد.
	۰/۸۶۶	۳/۱۵۶	استانداردهای کمی و کیفی آموزش را در حد مطلوبی مورد توجه قرار دهد.
	۰/۹۱۷	۲/۹۷۰	در توسعه رشته های تحصیلی به کیفیت و سودمندی آنها توجه کافی می نماید.
	۱/۰۲۹	۳/۰۵۳	از دانشگاه به عنوان محلی برای بالا بردن شانس اشتغال خود، در آینده توجه می شود.
	۱/۰۰۵	۲/۵۷۵	آموزش چگونگی حل مسائل زندگی به جوانان را در اولویت فعالیت های آموزشی خود قرار می دهد.
	۰/۹۲۶	۲/۸۸۲	در برنامه های خود از توسعه فناوری های نوین در دانشگاه حمایت کاملی به عمل می آورد.
	۰/۸۶۰	۲/۴۵۸	به عنوان محلی برای تربیت کارآفرین و رشد مهارت های کارآفرینی شناخته شده است.
	۰/۸۵۹	۲/۳۹۷	توانسته است در شکستن مرزهای دانش و خلق علوم جدید موفق عمل کند.
	۱/۰۱۴	۲/۷۱۲	قادر است علوم کاربردی مورد نیاز برای حل مشکلات جامعه پیرامون خود را تولید کند.
	۰/۸۲۰	۲/۴۹۲	در تلفیق علم و عمل موفق بوده است.
	۰/۸۴۸	۲/۸۵۸	پژوهش های بنیادین قابل قبولی در این دانشگاه انجام شده است.
	۰/۹۸۴	۳/۰۸۲	پژوهش های کاربردی بیشتر از همه مورد تأکید دانشگاه است.
	۰/۷۹۶	۳/۰۴۸	در تولید و انتشار مقالات علمی معتبر سهم قابل قبولی دارد.
	۰/۸۲۳	۲/۴۳۹	پژوهش های دانشگاه مور مطالعه اهواز، نقش تأثیرگذاری در روند تحولات علمی داشته است.
۰/۸۷۷	۲/۵۲۶	پژوهش های در سطح منطقه ای و بین المللی از اعتبار بالایی برخوردارند.	

جمع کل سؤالات	۲/۷۹۸	۰/۶۱۰
---------------	-------	-------

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که بیشترین میانگین مربوط به مؤلفه "رسالت اصلی خود را آموزش علم به متقاضیان می‌داند" به مقدار ۳/۵۳۱ و کمترین مقدار میانگین مربوط به مؤلفه "توانسته است در شکستن مرزهای دانش و خلق علوم جدید موفق عمل کند." به مقدار ۲/۲۹۷ است. همچنین مقدار میانگین کل کارکرد های موجود دانشگاه ۲/۷۹۸ بدست آمده است.

توسعه رشته‌ها در درون دانشگاه

بر اساس تحلیل مصاحبه‌ها در این بخش ۳۷ گزاره مفهومی اولیه در مرحله کدگذاری باز و ۷ مقوله اصلی در مرحله کدگذاری محوری بدست آمد که عبارتند از: توسعه رشته‌های علوم انسانی، توسعه رشته‌های علوم پایه و مهندسی، توسعه رشته‌های میان رشته‌ای، توسعه تحصیلات تکمیلی، توسعه رشته‌های کارشناسی، توسعه همه رشته‌ها به یک میزان، توسعه رشته‌ها متناسب با پتانسیل منطقه. همیشه در بین اعضای هیأت علمی و متخصصان حوزه توسعه رشته‌های دانشگاهی در زمینه اینکه رشته‌های علوم انسانی یا علوم پایه مهم هستند و یا اینکه کدام یک از مقاطع تحصیلی کارشناسی یا تحصیلات تکمیلی باید مورد توجه قرار گیرد بحث و اختلاف نظر وجود داشته و دارد. بنابراین یکی از مهم ترین مواردی که در جهت تدوین نقشه مفهومی به دانشگاه کمک می‌کند باور و اعتقاد اعضای هیأت علمی بر این است که از نظر آنان برای توسعه دانشگاه در مسیر پیشرفت و توسعه کدامیک از رشته‌ها باید در اولویت توجه قرار گیرد. در ارتباط با توسعه رشته‌های علوم انسانی، می‌توان به نظرات برخی افراد به طور مختصر اشاره کرد. "اهمیت علوم انسانی، شناساندن روش‌های افزایش کیفیت یادگیری و کیفیت آموزش تحقق می‌یابد که باید بیشتر به علوم انسانی بها داده شود..." (استادیار دانشکده علوم تربیتی)، "میراث ماندگار و هویت افراد هر کشور به ادبیات و فرهنگ آن کشور بستگی دارد..." (استاد دانشکده ادبیات)، "اگر این رشته نباشد و به آن توجه نشود، مهم ترین عامل موفقیت اعضای هیأت علمی که تندرستی و نشاط است مورد غفلت واقع می‌شود..." (استاد دانشکده تربیت بدنی). نظرات افراد در باره توسعه رشته‌های علوم پایه و مهندسی نیز متفاوت بود. "اهمیت رشته آمار در تحلیل‌های آماری پاینامه‌های ارشد و دکتری..." (استاد دانشکده ریاضی)، "... رشته‌های علوم پایه نقش مؤثری بر افزایش برند دانشگاه داشته است..." (استاد دانشکده علوم). توسعه رشته‌های میان رشته‌ای، نیز در مصاحبه‌ها مورد توجه بود. "... توجه و اهمیت به رشته‌های میان رشته‌ای..." (استاد گروه زیست دانشکده علوم). برخی نیز علاوه بر تأکید بر اهمیت موضوعی رشته‌ها، به اهمیت توسعه تحصیلات تکمیلی توجه داشتند. "... توجه به افزایش تحصیلات تکمیلی در دانشگاه و کاهش رشته‌های کارشناسی و کم اهمیت..." (استاد دانشکده علوم آب). توسعه رشته‌های کارشناسی: "... ابتدا توجه به رشته‌های کارشناسی و تقویت آنها تا آوردن تحصیلات تکمیلی..." (دانشیار دانشکده مهندسی).

**جدول شماره ۵: دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه درباره توسعه رشته‌ها و گروه‌های آموزشی دانشگاه
به عنوان مؤلفه مهم تأثیر گذار بر نقشه مفهومی**

تعداد کل	انحراف استاندارد	میانگین از ۵	اعضای هیأت علمی درباره توسعه رشته‌ها و گروه‌های آموزشی دانشگاه چه دیدگاهی دارند؟
۲۰۵	۱/۱۳۷	۳/۳۷۵	توجه یکسان مدیریت به رشد همه رشته‌ها برای ارتقاء دانشگاه
	۱/۰۸۹	۳/۸۴۸	توجه به ایجاد و تقویت رشته‌های کاربردی متناسب با پتانسیل منطقه
	۱/۰۸۷	۳/۵۲۶	توجه به ایجاد و تقویت رشته‌های متناسب با تنوع فرهنگی در منطقه
	۱/۰۲۱	۳/۷۰۲	توجه به ایجاد و تقویت رشته‌های متناسب با آمایش سرزمین
	۱/۰۹۳	۳/۷۳۶	توجه و اهمیت به ایجاد و تقویت رشته‌های میان رشته‌ای
	۱/۱۶۹	۳/۶۳۳	توجه به غنی‌تر کردن گروه‌های پیشرو و موفق در دانشگاه
	۱/۲۰۶	۳/۵۳۱	توجه به تقویت گروه‌های ضعیف و کم برخوردار در دانشگاه
	۱/۰۶۸	۳/۷۳۶	توجه بیشتر رشته‌های مهندسی، علوم پایه و کشاورزی در توسعه دانشگاه
	۱/۱۰۰	۳/۴۷۸	توجه به رشته‌های علوم انسانی با بازده طولانی مدت
	۰/۸۹۱	۳/۶۸۷	توجه به رشته‌های آزمایشگاهی و کاربردی با بازده کوتاه مدت
	۱/۱۷۳	۲/۶۷۸	اختصاص منابع به همه رشته‌های دانشگاه به یک میزان
	۱/۱۹۸	۳/۴۸۷	اختصاص منابع بیشتر به رشته‌های فنی، کشاورزی و علوم پایه
	۱/۱۸۱	۳/۲۵۳	تأکید بر جذب هیأت علمی بیشتر در رشته‌های فنی، کشاورزی و علوم پایه
	۱/۱۶۴	۳/۶۴۸	توجه بیشتر به توسعه زیرساخت‌های لازم رشته‌های فنی، کشاورزی و علوم پایه
	۱/۱۶۹	۳/۴۵۸	اصلاح دیدگاه و توجه بیشتر به رشته‌های علوم انسانی
	۱/۳۱۱	۳/۲۰۵	حذف رشته‌های بدون کاربرد در دانشگاه
	۱/۰۰۹	۳/۶۶۳	توسعه تحصیلات تکمیلی در دانشگاه
	۱/۰۴۳	۳/۲۰۹	توسعه رشته‌های کارشناسی در دانشگاه
	۱/۱۹۶	۳/۰۲۹	پراکنده کردن رشته‌ها متناسب با پتانسیل شهرستان‌های منطقه
	۱/۲۱۲	۳/۰۷۳	پیروی از یک فرایند توسعه ای یکسان و همگام در همه گروه‌های آموزشی
-/۵۷۵	۳/۴۴۷	جمع کل سؤالات	

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که بیشترین مقدار میانگین مربوط به " توجه به ایجاد و تقویت رشته‌های کاربردی متناسب با پتانسیل منطقه " به مقدار ۳/۸۴ و کمترین مقدار میانگین مربوط به " اختصاص منابع به همه رشته‌های دانشگاه به یک میزان " به مقدار ۲/۶۷ است. همچنین مقدار میانگین کل توسعه رشته‌های دانشگاه ۳/۴۴ بدست آمده است. در جمع بندی کلی مؤلفه‌های مستخرج از مطالعه کیفی و کمی، ۴ مؤلفه اصلی و ۲۵ مؤلفه فرعی تأثیر گذار بر نقشه مفهومی برنامه‌ریزی آموزشی توسعه دانشگاه مشخص شدند.

چه مدلی برای تدوین یک نقشه مفهومی در راستای برنامه‌ریزی توسعه دانشگاهی قابل ارائه است؟

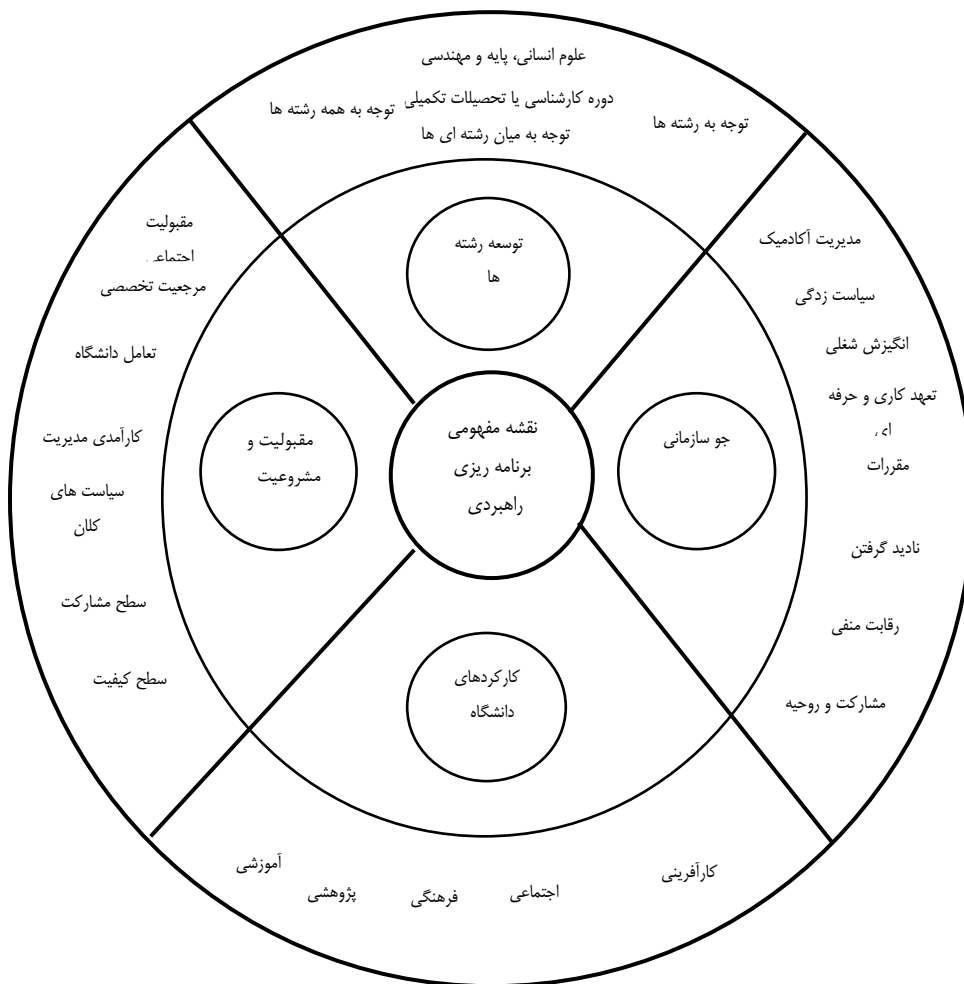
همان‌طور که در بیان مسأله گفته شد با صرف داشتن برنامه راهبردی، دانشگاه‌ها نمی‌توانند آن‌طور که تمایل دارند به اهداف خود برسند. زیرا بررسی برنامه راهبردی برخی از دانشگاه‌های کشورهای خارجی نشان می‌دهد که آنها دارای نوعی چارچوب مفهومی و یا به عبارتی نقشه مفهومی برای برنامه‌ریزی راهبردی هستند که در دانشگاه‌های ایران مورد غفلت قرار گرفته است. بنابراین شناسایی مؤلفه‌های مهم نقشه مفهومی و ارائه نقشه مفهومی برای برنامه‌ریزی توسعه دانشگاهی که بتواند معرف بنیان معرفتی و اندیشه

هدایتگر فعالیت‌های برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاهی باشد، مسأله اصلی پژوهش حاضر است. در مطالعات گذشته و همچنین مطالعه حاضر مشخص گردید که مؤلفه‌های تأثیر گذار بر نقشه مفهومی برای برنامه‌ریزی آموزشی توسعه دانشگاهی، شامل (جو دانشگاه، کارکردهای دانشگاه، مقبولیت و مشروعیت دانشگاه و نیز توسعه رشته‌های دانشگاه) می‌شود. با توجه به مؤلفه‌های تأثیر گذار و بر اساس نظرات پاسخگویان این پژوهش مدلی به شرح زیر برای تدوین نقشه مفهومی در برنامه‌ریزی آموزشی توسعه دانشگاه استخراج و ارائه گردید. همانگونه که مدل نشان می‌دهد جو دانشگاه با ۵۷ گزاره مفهومی، مقبولیت و مشروعیت دانشگاه با ۴۷ گزاره مفهومی، کارکردهای دانشگاه با ۴ گزاره مفهومی، و توسعه رشته‌ها با ۳۷ گزاره مفهومی بیشترین تکرار و اهمیت را در این مدل بدست آورده‌اند.

جدول شماره ۶: استخراج مؤلفه‌های اصلی و فرعی تشکیل دهنده نقشه مفهومی دانشگاه

مرحله کد گذاری باز : ۱۸۵ گزاره مفهومی اولیه / مرحله کدگذاری محوری، ۲۵ مقوله فرعی / مرحله کد گذاری انتخابی؛ ۴ مقوله اصلی			
مقبولیت و مشروعیت دانشگاه (۴۷ گزاره مفهومی)		جو دانشگاه (۵۷ گزاره مفهومی)	
تعداد گزاره	مقوله‌های فرعی	تعداد گزاره	مقوله‌های فرعی
۳	مقبولیت اجتماعی	۱۰	سیاست زدگی
۱۰	مرجعیت تخصصی و علمی	۱۵	مدیریت آکادمیک و علمی
۸	تعامل دانشگاه با صنایع و سازمان‌ها	۶	انگیزش شغلی
۲	کارآمدی مدیریت	۳	تعهد کاری و حرفه‌ای
۹	سیاست‌های کلان دولتی و حکومتی	۱۱	مقررات سخت‌گیرانه
۱۰	سطح مشارکت اعضای هیأت علمی در تولیدات علمی	۲	نادیده گرفتن قوانین
۵	سطح کیفیت تولیدات علمی دانشگاه	۳	رقابت منفی اعضا
		۷	مشارکت و روحیه تیمی
توسعه رشته‌ها (۳۷ گزاره مفهومی)		کارکردهای دانشگاه (۴۴ گزاره مفهومی)	
تعداد گزاره	مقوله‌های فرعی	تعداد گزاره	مقوله‌های فرعی
۲۸	توسعه رشته‌های علوم انسانی و علوم پایه و مهندسی	۶	کارکردهای اجتماعی
		۵	کارکردهای فرهنگی و تربیتی
۱	توسعه رشته‌های میان‌رشته‌ای	۱۹	کارکردهای آموزشی
۲	توسعه تحصیلات تکمیلی یا کارشناسی	۹	کارکردهای پژوهشی
۲	توسعه همه‌رشته‌ها به یک میزان	۵	کارکرد تجاری سازی و کارآفرینی
۴	توسعه رشته‌ها متناسب با پتانسیل منطقه (آمایش)		

بنابراین مدل نقشه مفهومی برای برنامه‌ریزی در راستای توسعه دانشگاه بر چهار مؤلفه مهم داده یعنی جو دانشگاه، کارکردهای دانشگاه، مقبولیت و مشروعیت دانشگاه، توسعه رشته‌های دانشگاه پایه ریزی شده است که در شکل شماره ۱ زیر توصیف شده است.



شکل شماره ۱. نقشه مفهومی برای برنامه‌ریزی توسعه دانشگاه

بحث و نتیجه‌گیری:

علیرغم تلاش‌های فزاینده دانشگاه‌های ایرانی برای تدوین و اجرا و بهره برداری از برنامه‌ریزی راهبردی، عملاً نتایج ملموس و اثربخشی حاصل نشده است. تأکید شد که یکی از مسایل مهم در برنامه‌ریزی راهبردی دانشگاهی، ضرورت داشتن چارچوبی مفهومی از برنامه‌ریزی راهبردی است. موضوعی که بیشتر دانشگاه‌ها در کشورهای توسعه یافته از آن به نام نقشه مفهومی یا چهارچوب مفهومی برنامه‌ریزی راهبردی یاد کرده اند. لذا در پژوهش حاضر با بررسی برخی از عوامل مؤثر در طراحی نقشه مفهومی برای توسعه دانشگاه شهید چمران

اهواز، در مرحله کد گذاری باز، ۱۸۵ گزاره مفهومی اولیه و در مرحله کدگذاری محوری، ۲۵ مقوله فرعی و در مرحله کد گذاری انتخابی، ۴ مقوله اصلی شناسایی شدند.

فراستخواه (۱۳۹۱) معتقد است برنامه ریزی درسی و آموزشی در دانشگاه نباید تحت سیطره سیاست ایدئولوژیک دولت قرار گرفته و گزینش متمرکز سیاسی و ایدئولوژیک بر نحوه انتخاب و جذب اعضای هیأت علمی و پذیرش دانشجوی دکتری سایه بیاندازد. تأثیر مستقیم و پررنگ سیاست بر دانشگاه باعث شده که در انتخاب اعضای هیأت علمی، گرایش های سیاسی آنها نقش عمده و مهمی را بازی کند. یافته‌های این بخش با نتایج پژوهش (فراستخواه و منیعی، ۱۳۹۳؛ آهنچیان، ۱۳۹۶؛ نادری، ۱۳۸۷؛ ذاکر صالحی، ۱۳۸۸ و خلّاقی، ۱۳۸۱) در مقوله سیاست زدگی و گزینش تصادفی، همخوانی دارد. همانطور که صادقی زاده (۱۳۹۴) بیان می‌دارد انتخاب مدیران و اعضای هیأت علمی باید بر اساس شایستگی‌های علمی، عمومی و اخلاقی صورت گیرد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های (رضایت و دیگران، ۱۳۹۰؛ صادقی زاده، ۱۳۹۴؛ محمدزاده و صالحی، ۱۳۹۵) در مقوله حاکمیت مدیریت آکادمیک و علمی، همخوان است. اعضا باید به رسالت مهمی که بر عهده دارند آگاه و متعهد باشند و اهمیت وجدان کاری (تعهد حرفه ای) حتی در سند چشم انداز ۱۴۰۴ مورد توجه قرار گرفته است. یافته های پژوهش محمد زاده و صالحی (۱۳۹۵) نیز بر مقوله تعهد کاری و حرفه ای تأکید می‌کند.

تحلیل ساخت جدیدی از قدرت، و رای قدرت مرجعیت و تخصص، رابطه اعضای هیأت علمی با یکدیگر را دستخوش تغییراتی کرده که ممکن است منجر به بروز کشمکش بین آنها شود. یافته‌های این بخش با نتایج پژوهش اجتهادی و دیگران (۱۳۹۰) نیز در مقوله مقررات سخت گیرانه، همخوان است. فراستخواه و منیعی (۱۳۹۳) و ابراهیمی و دیگران (۱۳۹۱) معتقدند حس خود اثربخشی در اعضا و به ویژه در استادیاران جوان، حسی خود فرمان است و اسیر شرایط و تابعی از مقتضیات محیط و ساختارهای نه چندان مناسب دانشگاهی و وضعیت سیاستگذاری آموزش عالی در کشور نیست. قانعی راد (۱۳۸۵)، به نقل از بوزمن و راجرز، (۲۰۰۲) نیز بیان کرده است که نبود تعاملات اجتماعی می تواند ناشی از عدم تمایل اعضا به همکاری و به دلیل وجود نداشتن روحیه همکاری محور در سلسله مراتب مختلف کارگزاران دانش باشد. بنابراین یکی از مؤلفه های تأثیرگذار در حیطه ی تولید علم همراه با رشد سرمایه انسانی، توسعه روحیه همکاری محور است. یافته های این بخش با نتایج پژوهش ثناگو و همکاران (۱۳۹۱) نیز در مقوله مشارکت و روحیه تیمی، همسویی دارد.

به عقیده ابراهیم، آنجلیدس و هووارد (۲۰۰۶)، دانشگاه‌ها علاوه بر خدمات آموزشی، شکل دهندگان هویت نیز هستند و با عمل به چنین رسالتی، مقبولیت اجتماعی آنها تأمین می‌شود. طبق بیانیه جهانی آموزش عالی در قرن ۲۱ آموزش عالی باید نقش مهم تری در خدمت به جامعه ایفا کند و به ویژه از طریق رویکرد میان رشته ای و فرارشته ای در قبال تحلیل مسایل و مشکلات بر فعالیت هایش در زمینه فقرزدایی، از میان برداشتن تعصب، خشونت، بی سوادگی، گرسنگی، فساد و بیماری بیافزاید. منظور از مرجعیت تخصصی و علمی، میزان انتخاب شدن هر دانشگاه از سوی نخبگان و تحصیلکرده ها، برای جذب و یا از سوی متقاضیان، برای تحصیل است. در صحبت های بسیاری از اعضای هیأت علمی اشاره شد که عقبه دانشگاه شهید چمران اهواز

به دلیل قدمتش بسیار غنی است. این یافته با نتایج پژوهش (فراستخواه، ۱۳۹۲؛ جونز، ۲۰۰۶ و شریف و شبگو منصف، ۱۳۹۰) همخوانی دارد.

در تأیید نتایج حاضر، می‌توان به نتایج پژوهش عباسی، قلی پور و پیران نژاد (۱۳۸۶) اشاره کرد که مطالعه روند تحولات در آموزش عالی ایران را حاکی از آغاز فرایندهای تجاری و همگرایی دانشگاه و صنعت می‌دانند که در قالب پروژه‌های مشترک دانشگاه-صنعت، تاسیس دانشگاه‌های غیرانتفاعی توسط دانشگاه‌های مادر، تأسیس دفاتر دانشگاه و صنعت، مراکز کارآفرینی، پارک‌های فناوری و مانند آن ظهور یافته و می‌توانند مصادیقی بر این ادعا باشند که آموزش عالی ایران، صنعت را به عنوان اولین مشتری خود انتخاب کرده و در تلاش برای پاسخگویی به نیازمندی‌های آن است. نتایج پژوهش حاضر در مقوله تعامل با صنایع و سازمان‌ها با یافته‌های فراستخواه (۱۳۸۹)، و آراسته و فاضلی ماسوله (۱۳۹۰) نیز همخوان است. قهرمانی (۱۳۹۳) نیز همسو با این یافته‌ها، بر این باور است که برنامه ریزان و مدیران دانشگاهی، از مسائل روزمره و چشم اندازها و افق‌های توسعه دانشگاه آگاه نیستند. طبق یافته‌های محدود پژوهش‌های مرتبط، هم اکنون نوعی روزمرگی در سطح مدیریت کلان و اداره امور دانشگاه‌های دولتی حاکم است. یافته‌های این بخش با نتایج پژوهش (جاودانی، ۱۳۹۳؛ قهرمانی، ۱۳۹۳؛ و یمنی دوزی سرخابی و ترک زاده، ۱۳۸۸) در مورد کارآمدی مدیریت همخوانی دارد. طبق اظهارات فراستخواه و منیعی (۱۳۹۳) سیاستگذاری آموزش عالی ایران، متمرکز و از بالا به پایین است. البته علاوه بر دولت و دانشگاه‌ها، سایر ذینفعان نیز از قبیل بخش صنعت، بازار کار، انجمن‌های علمی و نهادهای مدنی نقش دارند (فراستخواه، ۱۳۹۲). از یافته‌های مشابه با پژوهش حاضر در مقوله سطح مشارکت اعضا در تولیدات علمی، می‌توان به پژوهش مدهوشی و دیگران (۱۳۸۸) و پژوهش دانشگاه مجامع (۲۰۱۱) اشاره کرد که بر به هنگام کردن مهارت‌های پژوهشی و افزایش مشارکت اعضا در مجامع ملی و بین‌المللی به عنوان یکی از اصول چشم انداز دانشگاه اشاره کرده‌اند. در پژوهش‌هایی مانند پژوهش آذر و دیگران (۱۳۹۲)، و زیاری و دیگران (۱۳۹۵) تأکید شده است که با رشد کیفیت پژوهش‌ها، گرایش به صنعت، دولت و بازار برای بهره‌برداری از توان علمی موجود تقویت شده و این گرایش منجر به افزایش پژوهش‌های کاربردی و درآمدزایی دانشگاه‌ها و اعضا می‌شود و به صورت معمول حداقل بخشی از منابع مالی حاصل از این کار مجدداً در راستای افزایش کیفیت پژوهش هزینه می‌شود. روی دیگر افزایش کیفیت پژوهش‌ها، رابطه متقابل آن با کیفیت اعضای هیأت علمی است که دلیلی بر اهمیت مؤلفه سطح کیفیت تولیدات علمی در دانشگاه است. به زعم آلتباخ^۲ (۱۹۹۸) دانشگاه‌ها به عنوان بخشی از کارکرد اجتماعی خود، در پرورش نیروی انسانی و توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشورها نقش بسیار مهمی دارند. به نظر عباسی و دیگران (۱۳۸۶) دانشگاه در معنای جدید آن با دو کارکرد شناخته می‌شود: تولید علم به معنای اعم آن و جامعه‌پذیری. یافته‌های این بخش از پژوهش حاضر در مقوله کارکرد اجتماعی نیز همسو با این اظهارات و همسو با نتایج پژوهش (اتزکویتز^۳، ۲۰۰۴؛ فراستخواه، ۱۳۹۲؛ یمنی دوزی و سرخابی و ثمری،

¹ Johnes

² Altbach

³ Etzkowitz

۱۳۸۹ و نادری، ۱۳۹۴) است. خیلی از صاحب‌نظران معتقدند کارکرد آموزشی، اولین رسالت هر دانشگاهی است. عباسی و دیگران (۱۳۸۶) تولید علم را نشان دهنده کارکرد آموزشی دانشگاه می‌دانند.

حسن زاده بارانی و صالحی عمران (۱۳۹۵) بارزترین نمود سرمایه‌گذاری روی نیروی انسانی را در تربیت و تامین نیروی انسانی کارآمد توسط دانشگاه‌ها می‌دانند. یافته‌های این بخش با نتایج پژوهش ذاکر صالحی (۱۳۸۸) در باره کارکرد آموزشی دانشگاه نیز همخوانی دارد. در کنار توجه به آموزش، برخی از دانشگاه‌های مهم با هدایت برنامه‌های خود به سمت پژوهش محوری به دنبال تربیت دانشمندان و نظریه پرداز هستند. همسو با نتایج پژوهش حاضر، به نظر محققانی مانند شارع پور، فاضلی و صالحی (۱۳۸۸)، اجتهادی (۱۳۹۰)، و یا جعفری ثانی و کرامتی (۱۳۹۱)، به نقل از علی خانی، (۲۰۱۰)، دانشگاه صرفاً نهادی آموزشی نیست و در کنار انتقال دانش (آموزش)، تولید دانش (پژوهش) و اشاعه یا نشر دانش (خدمات) نیز از کارکردهای دانشگاه است. دانشگاه در کارکرد پژوهشی خود نقش انتقال میراث فرهنگی جامعه را نیز به نسل‌های بعد بر عهده دارد. (واسیلیشو، ۲۰۱۴، به نقل از محمدلو، ۱۳۹۳) دانشگاه را مهم‌ترین نهاد یک کشور در تعلیم و تربیت دانشجوی، در حوزه‌های قانونی، زیست محیطی، اخلاقی و نوع دوستی می‌دانند. یافته‌های این بخش با نتایج پژوهش (قوبدل و مداحی، ۱۳۹۴؛ و نادری، ۱۳۹۴) در باره کارکردهای فرهنگی و تربیتی دانشگاه نیز همخوانی دارد. مقوله کارآفرینی و تجاری سازی، امروزه خیلی از مباحث علمی را به خودش اختصاص داده است. علی خانی (۲۰۱۰)، به نقل از جعفری ثانی و همکاران، (۱۳۹۱) دانشگاه‌های کشور را به سه دسته آموزش محور، پژوهش محور و کارآفرین تقسیم می‌کنند که هر یک در حیطه تخصصی خود متمرکز شده اند. مهدی (۱۳۹۴) کارآفرینی علمی را منتج از مأموریت نوآوری فناورانه دانشگاه‌ها می‌داند. در این پژوهش نیز به صورت گوناگون به کارکردهای آموزشی، پژوهشی و کارآفرینی اشاره شده و با نتایج پژوهش (کهن و دیگران، ۱۳۸۸؛ پلوا و کاستر^۱، ۲۰۰۵؛ ریچاردسون و دیگران^۲، ۱۹۹۸؛ فکور، ۱۳۸۵ و نادری، ۱۳۹۴) همخوانی دارد.

آخرین مفهوم بدست آمده برای نقشه مفهومی، مفهوم توسعه رشته‌ها است. بخش اعظمی از ساختار آموزش عالی بر مبنای رشته‌های تحصیلی و دوره‌های آموزشی ارائه شده در دانشگاه‌ها شکل می‌گیرد. لذا توسعه رشته‌های دانشگاهی نیز بایستی به عنوان بخشی از برنامه توسعه کلان نظام آموزش عالی مورد توجه باشد. عدم توازن در توسعه رشته‌های دانشگاهی از چالش‌های مهم نظام آموزش عالی کشور است (مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۹۴). بر اساس آمار وزارت علوم پژوهش‌ها و فناوری (۱۳۹۴) از ۲۲۲۳ رشته مصوب دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۲۹/۴۶ درصد متعلق به گروه علوم انسانی و ۶۸/۸ درصد رشته‌های باقی مانده نیز متعلق به ۱۰ گروه دیگر است. در مقوله توسعه رشته‌های علوم انسانی، علوم پایه و مهندسی، افزایش کمی و جهشی رشته‌ها و واحدهای دانشگاهی علوم انسانی، موجب شده است تا این رشته‌ها در جایگاه اجتماعی واقعی خود قرار نگیرد (عزیزی، ۱۳۸۷). این پژوهش نشان از این مطلب دارد که توازنی بین توسعه رشته‌های علوم انسانی با سایر علوم وجود ندارد. نظام دانشگاهی در تعامل با نظام اجتماعی و صنعتی به این نتیجه رسیده که دیگر قادر نیست مسائل متنوع و پیچیده جامعه را با تمرکز بر تمایزات دیسیپلینی و مرزبندی بین رشته‌ها حل کند. نتایج این بخش با یافته‌های خورشیدی و پیشگاهی (۱۳۹۱) و

¹ Plewa & Quester

² Richardson et al

بلاغت (۱۳۹۰) همخوانی دارد. طبق اظهارات آراسته و فاضلی ماسوله (۱۳۹۰) دانشگاه‌های برتر جهانی مانند دانشگاه پکن، دانشگاه هاروارد، دانشگاه تکنولوژی ماساچوست و دانشگاه ییل، گزینشی ترین دانشگاه‌ها در ایالات متحده آمریکا سعی در رعایت تناسب دانشجویان دوره‌های تکمیلی نسبت به دوره‌های پایین تر به منظور حفظ تأثیر فعالیت های پژوهشی دانشجویان خود دارند. نتایج پژوهش محمودی و خادمی کله لو (۱۳۹۵) و ثمری و گرایی نژاد (۱۳۹۲) هم همخوان با یافته‌های این بخش بر ضرورت توسعه متوازن و توجه به ظرفیت‌های بومی و محلی در توسعه آموزش عالی تأکید می‌کنند.

با توجه به یافته‌های بدست آمده در این پژوهش، پیشنهاد می‌گردد دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور قبل از اقدام برای داشتن برنامه‌ریزی راهبردی به تهیه نقشه مفهومی همت گمارند. اعضای هیأت علمی، گردانندگان اصلی دانشگاه و از عوامل اجرایی برنامه‌ریزی راهبردی هستند که دارای باورها، ادراکات و برداشت‌های متفاوتی از دانشگاه و کارکردهای آن، توسعه رشته‌ها، جو و فضای حاکم بر دانشگاه و مقبولیت و مشروعیت دانشگاه هستند و بر کم و کیف و چگونگی عملکرد آنان تأثیر می‌گذارد. از این رو داشتن نقشه مفهومی در بردارنده جمع باورها، ادراکات و برداشت‌های متفاوت اعضای هیأت علمی، می‌تواند همانند یک نقشه راه، دانشگاه را در جهت درست تهیه برنامه‌ریزی راهبردی برای توسعه آموزشی و نیز توسعه در سایر ابعاد هدایت کند. مشارکت دادن اعضای هیأت علمی و در نظر گرفتن باورها و ادراکات آنان، حس مسئولیت پذیری و تعهد آنان را در اجرای برنامه‌ریزی راهبردی تقویت می‌کند. تکرار پژوهش حاضر در دانشگاه‌های دیگر نیز با توجه به تفاوت دانشگاه‌های مختلف، می‌تواند در تسهیل دستیابی به یک نقشه مفهومی جامع تر برای دانشگاه‌های کشور، مفید واقع شود. چون پژوهش کنونی به صورت کیفی انجام گرفته است، تعمیم نتایج آن به سایر دانشگاه‌ها خالی از خطا نیست و نباید از ویژگی های خاص هر دانشگاه غافل شد.

منابع

- ابراهیمی، قربانعلی و بهنوئی گنده، عباس (۱۳۹۱). بررسی جامعه شناختی چالش های اجتماع علمی دانشگاه، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، سال هجدهم، شماره ۱، ص ۱-۲۴.
- آذر، عادل، غلامرضایی، داوود، دانایی فرد، حسن و خداداد حسینی، حمید (۱۳۹۲). تحلیل چالش کیفیت آموزش عالی در برنامه پنجم، راهبرد فرهنگ، سال ششم، شماره ۲۱، ص ۱۷۰-۱۴۱.
- آراسته، حمید رضا و فاضلی ماسوله، سید طاهر (۱۳۹۰). رتبه بندی‌ها و ویژگی‌های دانشگاه های برتر جهانی. فصلنامه آموزش مهندسی ایران، سال سیزدهم، شماره ۵۲، ص ۱۰۱-۸۷.
- آهنچیان، محمدرضا و سلیمانی، الهام (۱۳۹۶). ادراک اعضای هیأت علمی از حرفه ای بودن در نظام آموزش عالی ایران. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، سال بیست سوم، شماره ۲، ص ۲۳-۱.
- اجتهادی، مصطفی، قورچیان، نادرقلی، جعفری، پرویش و شفیع زاده، حمید (۱۳۹۰). ابعاد و مؤلفه های بهسازی اعضای هیأت علمی به منظور ارائه مدل مفهومی. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، سال هفدهم، شماره ۴، ص ۴۶-۲۱.
- بلاغت، رضا (۱۳۹۰). بررسی چالش های توسعه ی علوم انسانی و میان رشته های آن در ایران. فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، سال چهارم، شماره ۳، ص ۱۲۹-۱۱۷.
- پایدار، مهری. (۱۳۸۹). بررسی عوامل حمایت کننده نوآوری در آموزش و پرورش از دیدگاه مدیران و دبیران مدارس متوسطه دخترانه دولتی شهر اهواز طی برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی فرهنگی (۱۳۸۸-۱۳۸۴). پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه علوم تربیتی. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی. دانشگاه شهید چمران، اهواز.
- پورصادق، ناصر (۱۳۹۳). موانع اجرای راهبردهای سازمانی در دانشگاه های دولتی. فصلنامه مدیریت نظامی، سال چهاردهم، شماره ۵۳، ص ۲۲-۱.
- ثمری، عیسی، یمنی دوزی سرخابی، محمد، صالحی عمران، ابراهیم و گرائی نژاد، غلامرضا (۱۳۹۲). بررسی شناسایی عوامل موثر در فرایند توسعه دانشگاهی در دانشگاه های دولتی ایران. دو فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، سال دوم، شماره ۴، ص ۶۷-۱۰۰.
- ثمری، عیسی، گرائی نژاد، غلامرضا (۱۳۹۲). جایگاه مفهوم آمایش آموزش عالی در آمایش سرزمین: راهنمایی برای توسعه دانشگاهی. فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، سال پنجم، شماره ۳، ص ۱۴۲-۱۱۷.
- ثناگو، اکرم، جویباری، لیلا و مهرآور، فاطمه (۱۳۹۱). بررسی دیدگاه گروهی از دانشجویان علوم پزشکی در خصوص جو سازمانی و محیط دانشگاهی. فصلنامه جنتا شاپیر، دوره سوم، شماره ۲، ص ۳۰۹-۳۰۳.
- جاودانی، حمید (۱۳۹۳). طراحی الگوی توسعه سازمانی در نظام مدیریت آموزش عالی ایران، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، سال بیستم، شماره ۴، ص ۷۴-۵۵.
- جعفری ثانی، حسین و کرامتی، انسی (۱۳۹۱). بررسی نگرش اعضای هیأت علمی درباره رابطه بین فعالیت های آموزشی و پژوهشی خویش. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، سال هجدهم، شماره ۲، ص ۱۷-۱.
- حسن زاده بارانی کرد، سودابه و صالحی عمران، ابراهیم (۱۳۹۵). ارتقاء کیفیت منابع انسانی آموزش عالی با تاکید بر تولید و ساخت. فصلنامه آموزش و توسعه منابع انسانی، سال سوم، شماره ۱۰، ص ۴۹-۲۳.
- خلاق، علی اصغر (۱۳۸۱). الگوهای ارتباطی مراکز آموزشی و محیط کار. نوآوری های آموزشی. سال یک، شماره ۲، ص ۵۲-۳۵.
- خلیلی شورینی، سهراب و محضری، مهدی. (۱۳۹۲). شناخت موانع اجرای برنامه های استراتژیک و اولویت بندی آن ها. پژوهش های مدیریت راهبردی، سال بیستم، شماره ۵۶، ص ۱۳۲-۱۱۱.
- خورشیدی، غلامحسین؛ پیشگاهی، شیوا (۱۳۹۱). پیش نیازها و موانع تحقق توسعه علوم انسانی میان رشته ای، فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، سال چهارم، شماره ۲، ص ۱۵-۱.

- ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۸۸). بررسی ابعاد حقوقی و مدیریتی استقلال دانشگاه‌ها در ایران. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، سال پانزدهم، شماره ۳، ص ۱۶۳-۷۹.
- رضایت، غلامحسین، یمینی دوزی سرخابی، محمد، کیامنش، علیرضا و نوه ابراهیم، عبدالرحیم (۱۳۹۰). الگوی شایستگی رؤسای دانشگاه‌های دولتی ایران. *فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران*، سال چهارم، شماره ۱، ص ۸۴-۴۷.
- زیاری، عباس، قدس، علی اصغر، رشیدی پور، علی، بزرگی، حسین و بابامحمدی، حسن (۱۳۹۵). تبیین عوامل مؤثر بر پژوهش از دیدگاه اعضای هیأت علمی: یک مطالعه کیفی، در دانشگاه علوم پزشکی سمنان. *کومش*، سال نوزدهم، شماره ۱، ص ۳۵-۲۲.
- شارع پور، محمود، فاضلی، محمد و صالحی، صادق. (۱۳۸۸). بررسی شاخص‌های کیفیت در آموزش عالی بر مبنای تحلیل شایستگی‌های کنونی، *مجله آموزش عالی ایران*، سال یکم، شماره ۱، ص ۵۵-۳۰.
- شریف، بهرام و شب گو منصف، سید محمود (۱۳۹۰). مهندسی مجدد نگرش در نظام آموزش عالی. *ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، سال اول، شماره ۲، ص ۲۸-۱.
- صادقی زاده، سلمان (۱۳۹۴). *بحران کارکردی در ساختار آموزش عالی کشور*. شبکه مطالعات سیاستگذاری عمومی، خلاصه سیاسی. قابل دسترس در سایت <http://npps.ir/ArticlePreview.aspx?id=61529>.
- عامریون، احمد، شهبانی نژاد، مصطفی، غیائی، علیرضا و سلطانی پور شیخ، سمیه. (۱۳۹۵). بررسی موانع اجرای برنامه استراتژیک از دیدگاه مدیران بیمارستان‌های نظامی و غیرنظامی کرمان. *فصلنامه علمی پژوهشی طب انتظامی*، سال پنجم، شماره ۱، ص ۵۴-۴۷.
- عباسی، بدری، قلی پور، آرین و پیران نژاد، علی (۱۳۸۶). پیامدهای ناخواسته تجاری سازی در آموزش عالی. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، سال سیزدهم، شماره ۴، ص ۱۵۵-۱۸۲.
- عزیزی، نعمت اله (۱۳۸۷). بررسی چالش‌ها و نارسایی‌های تحصیلات دانشگاهی در حوزه علوم انسانی تاملی بر نظرات دانشجویان. *مجله آموزش عالی ایران*، سال اول، شماره ۲، ص ۲۹-۱.
- فرازی، عباس، صالحی عمران، ابراهیم، علیزاده ثانی، محسن و طیبی، محمدرضا (۱۳۹۶). ارائه الگوی مفهومی برنامه‌ریزی راهبردی مبتنی بر زمینه دانشگاهی ایران، *مجله آموزش عالی ایران*، سال هشتم، شماره ۳، ص ۷۷-۵۱.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۹). بررسی الگوهای تعاملات آموزش عالی و دانشگاه‌ها سایر نظام‌های تولید و خدمات. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۳، ص ۶۴-۴۵.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۱). دانشگاه‌های ایرانی با چه مشکلاتی دست به گریبان هستند؟ *نشریه دانشجویی صلا*، سال سوم، ص ۹-۸.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۲). چارچوبی مفهومی برای برنامه‌ریزی مبتنی بر آینده‌اندیشی در دانشگاه. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، سال نوزدهم، شماره ۶، ص ۲۱-۱.
- فراستخواه، مقصود و منبعی، رضا (۱۳۹۳). عوامل مؤثر بر مشارکت اعضای هیأت علمی در سیاستگذاری آموزش عالی و برنامه‌ریزی دانشگاهی. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، سال بیستم، شماره ۴، ص ۵۳-۲۹.
- فکور، بهمن (۱۳۸۵). مروری بر مفاهیم نظری تجاری سازی نتایج پژوهش‌ها، *رهیافت*، شماره ۳۷، ص ۳۲-۲۴.
- قانع‌ی راد، محمد امین (۱۳۸۵). نقش تعاملات دانشجویان و اعضای هیأت علمی در تکوین سرمایه اجتماعی دانشگاهی، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، سال هفتم، شماره ۱، ص ۲۹-۳.
- قویدل، اعظم، مداحی، نسیم (۱۳۹۴). توسعه فرهنگ آموزش عالی راهکاری جهت مدیریت مطلوب دانشگاه‌ها. *مدیریت فراگیر*، سال اول، شماره ۲، ص ۱۳۲-۱۲۱.
- قهرمانی، محمد. (۱۳۹۳). تدوین الگوی مدیریت استراتژیک آموزش عالی ایران. *نشریه پژوهش‌های تربیتی*، سال اول، شماره ۲۹، ص ۱۲۳-۱۰۲.
- کرامتی، محمد رضا (۱۳۹۱). *مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی استراتژیک در آموزش و پرورش*. تهران: نشر سازمان ترویج کشاورزی تهران.

- کهن، امیر حسین، شعبانی ورکی، بختیار و رحیم نیا، فریبرز (۱۳۷۷). باورهای معرفت‌شناختی مدیران و نگرش آنها در خصوص برنامه‌ریزی استراتژیک در آموزش عالی. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، سال پانزدهم، شماره ۵۱، ص ۵۰-۲۷.
- گودرزی، محمود، قربانی، محمد حسین و صفری، حمید رضا (۱۳۹۴). شناسایی و تدوین الگوی موانع اجرای برنامه های استراتژیک در وزارت ورزش و جوانان ایران. *مطالعات مدیریت ورزشی*، سال هفتم، شماره ۳۱، ص ۳۲-۱۳.
- محمدرزاده، زینب و صالحی، کیوان (۱۳۹۵). تبیین پدیده نشاط و پویایی علمی در مراکز علمی از منظر نخبگان دانشگاهی: مطالعه ای با رویکرد پدیدار شناسی. *فصلنامه راهبرد، سال بیست و پنج*، شماره ۷۹، ص ۲۵۸-۲۷۷.
- محمد لو، مسلم علی، اکبری، بنفشه و مهدویان پور، الهام (۱۳۹۳). شناسایی مؤلفه های مسئولیت اجتماعی دانشگاه ها با استفاده از تکنیک دلفی فازی. *فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران*، سال ششم، شماره ۳، ص ۱۹۲-۱۶۱.
- محمودی، مریم و خادمی کله لو، محمد (۱۳۹۵). آسیب شناسی فرایند تاسیس رشته های جدید دانشگاهی در ایران. دو *فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی*، سال هفتم، شماره ۱۳، ص ۲۱۵-۱۸۸.
- مدهوشی، مهرداد، زالی، محمدرضا و نجیمی، نسیم (۱۳۸۸). تشکیل خانه کیفیت در نظام آموزش عالی (مطالعه موردی: مقطع کتری مدیریت دانشگاه های دولتی). *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، سال پانزدهم، شماره (۵۱)۱، ص ۱۵۴-۱۲۱.
- مظلومی، نادر و جلالی، سید حسین (۱۳۹۱). اولویت بندی موانع تأثیرگذار بر پیاده سازی برنامه های استراتژیک در صنعت داروی کشور. *پژوهشنامه مدیریت اجرایی*، سال چهارم، شماره ۷، ص ۱۴۸-۱۲۵.
- مهدی، رضا (۱۳۹۴). آینده شناسی آموزش عالی: راهبردها و پیامدهای سازگاری دانشگاه با محیط و جامعه. *فرایند مدیریت توسعه*، سال بیست و هشت، شماره ۱، ص ۵۴-۳۱.
- مهرعلی زاده، یداله (۱۳۹۵). *چالش های برنامه‌ریزی استراتژیک دانشگاه های ایران*. کنگره ملی آموزش عالی ایران، دانشگاه تربیت مدرس. فروردین ماه ۱۳۹۵.
- نادری، ابوالقاسم (۱۳۹۴). تابع تولید آموزش عالی: کاربردها، چالش ها و چشم اندازها. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، سال بیست و یکم، شماره ۳، ص ۳۹-۱.
- مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی. (۱۳۹۴). طرح آمایش آموزش عالی. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- نادری، ابوالقاسم (۱۳۸۷). ارزیابی تطبیقی- کارآمدی آموزش دانشگاهی رویکردی مناسب برای چالش های روش شناسی بهبود کیفیت. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، سال چهاردهم، شماره ۱، ص ۱۹-۴۹.
- یمنی دوزی سرخابی، محمد و ترک زاده، جعفر (۱۳۸۸). بررسی وضعیت برنامه‌ریزی توسعه دانشگاه های دولتی در ایران. *فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران*، سال اول، شماره ۴، ص ۱۹-۱.
- یمنی دوزی سرخابی، محمد، ثمری، عیسی. (۱۳۸۹). تصویر دانشگاه پیام نور و کارکردهای آن در نزد دانشجویان دانشگاه پیام نور مرکز تهران. *مجله آموزش عالی ایران*، شماره ۳، ص ۳۷-۱.
- وزارت علوم، پژوهشات و فناوری (الف). (۱۳۹۴). دانشگاه و مراکز آموزش عالی. قابل دسترس در سایت www.Msrt.ir.

- Altbach, P. G. (1998). *Comparative higher education: Knowledge, the university and development*. Hong Kong: Comparative Education Research Centre - The University of Hong Kong.
- Brown, R. (2011). The new English quality assurance regime. *Quality in higher education*, 17(2), 213-229.

- Bosetti, L. & Walker, K. (2009). Perspectives of UK vice - chancellors on leading university in a knowledge - based economy. *Higher Education Quarterly*, 64(1), 4-21.
- Callahan, J. L., & De Dávila, T. D. (2004). An impressionistic framework for theorizing about human resource development. *Human Resource Development Review*, 3(1), 75-95.
- Castells, M., & Cardoso, G. (Eds.). (2006). *The network society: From knowledge to policy* (pp. 3-23). Washington, DC: Johns Hopkins Center for Transatlantic Relations.
- Conceptual Framework for the Alabama College Strategic Planning Process (2007). Retrieved from in: <https://www.una.edu/administration/docs/StrategicPlan%20approved%20June%202007.pdf>.
- Castells, M., & Cardoso, G. (Eds.). (2006). *The network society: From knowledge to policy* (pp. 3-23).
- Dereli, C. (2007). The developing environment for strategy formation in the smaller local authority. *International Journal of Public Sector Management*, 20(5), 366-379.
- Etzkowitz, H. (2004). The evolution of the entrepreneurial university. *International Journal of Technology and Globalisation*, 1(1), 64-77.
- Filippakou, O. & Tapper, T. (2008). Quality assurance and quality enhancement in higher education: contested territories? *Higher education quarterly*, 62(1/2). 84- 100.
- Fathi, M., & Wilson, L. (2009). Strategic Planning in Colleges and Universities. *Business Renaissance Quarterly*, 4(1).
- Fullan, M. & Scott, G. (2009). *Turning around leadership for higher education* (San Francisco, CA, Jossey-Bass).
- Gross Stein, J. (2007). What, Why and How? The university and public policy in a networked society. In P. Axelrod (ed) *Knowledge Matters: Essays in Honor of Bernard J. Shapiro*. 27- 36.
- Hrebiniak, L. (2006). barriers to Effective Strategy Implementation, *Journal of Organizational Dynamics*, 1(35). 12-31.
- Hugo, G. (2005). Demographic trends in Australia s academic workforce. *journal of Higher Education Policy and Management*, 27(3). 327-343.
- Ibrahim, N. A., Angelidis, J.P., & Howard, D.P. (2006), Corporate social responsibility: A comparative analysis of perceptions of practicing accountants and accounting students. *J. Bus. Ethics* 66, 157-167.
- Immordino, K. M., Gigliotti, R. A., Ruben, B. D., & Tromp, S. (2016). Evaluating the impact of strategic planning in higher education. *Educational Planning*, 23(1), 35-48.
- Johnes, J. (2006). Measuring the efficiency of universities: A comparison of multilevel modelling and data envelopment analysis. *Bulletin of Economic Research*, 58 (2), 75-104.
- Plewa, C., & Quester, P. (2005); Marketing Orientation in University Industry Linkages; Industry Linkages, Australian & New Zealand Marketing Academy Conference, *Wellington, New Zealand*, 29.1101.12.

- Raluca, D. A., & Alecsandru, S. V. (2012). Strategic Planning at the Level of Higher Education Institution ‘Quantitative Elements Used in the Early Stages of the Process’. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 58, 1-10.
- Richardson, C., K. Bracco, M. P., & Finney, J. (1998); Higher Education Governance: Balancing Institutional and Market Influence ; *National Center for Public Policy and Higher Education*. 1-26.
- Ronchetti, J. L. (2006), An Integrated Balanced Scorecard Strategic Planning Model for Nonprofit Organizations, *Journal of Practical Consulting*, 1(1), 25-35.
- --- The conceptual framework Universitys : Niagara (2009), Bloomsburg (2012), Majmah (2011), Delta (2002), Alabama (2007), cedarville (2007), Framingham (2012), Ibreo (2015), South Africa (2010).
- White, Sh. W. (2013). An experimentally confirmed resource planning model of services under production function uncertainties. *Int. J. Production Economics*, 141, 478–484.

University Educational Planning: Designing a Model of Conceptual Roadmap for University development

Samane salimi¹, Abdollah Parsa^{*2}, Yadollah mehralizadeh³, Sakineh Shahi⁴

Abstract

In the most of the foreign university having a conceptual roadmap is the main bases of university development plan; but it has been neglected in Iranian universities. In this research, for present a conceptual roadmap to educational planning, an exploratory mixed method research (Qual. and Quan.) was used. Data were collected from related archives to developmental plans of public universities and previous research, interviews with 54 faculty members and completed researcher-made questionnaire by 205 faculty members. For interviews and completing questionnaire, correspondents were selected from faculty members of 53 departments of Shahid Chamran university of Ahvaz. In Qualitative section, by purposeful sampling and in quantitative section, by stratified random method. Data were collected and analyzed by different quantitative (mean and standard deviation) and qualitative analytical method (Straus & Corbin coding method). The results show that five main elements of conceptual roadmap are: university climate, functional of university, legitimation of university, and development of departments and disciplines, which combined based on their importance, in a proposed model of conceptual roadmap for university.

Keywords: conceptual roadmap, development, university legitimacy, climate, function.

¹ PhD Student of Educational Management, Department of Educational Sciences, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, salimisamane89@yahoo.com

² * Corresponding Author, Associate Professor of Department of Educational sciences, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, 09173135043, abdparsa@gmail.com

³ Professor of Department of Educational Sciences, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, ymehralizadeh@gmail.com

⁴ Assistant Professor of Department of Educational sciences, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, sshahi@scu.ac.i